

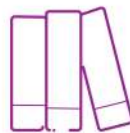
# بسم الله الرحمن الرحيم

## زبان روان

لغات، عبارات و تکنیک‌های درک مطلب



از سری کتاب‌های جامع روان‌آموز (درسنامه + تست) شامل تست‌های کنکور سال‌های اخیر



منطبق بر محتوای کلاس‌های جامع روان‌آموز



۱۰۰ درصد تطابق با کنکور سال گذشته



بروزرسانی دائمی در طول سال تحصیلی ۱۴۰۲

## سخن روان‌آموز

علم هم برای خودش سلسله مراتبی دارد، مثلاً اولین سطح علم، چارچوب‌های ثابت‌اند، مثل پل‌ها و ساختمان‌ها که مطالعه آن کار مهندسان عمران است. در سطح دوم به ساعت‌واره‌ها می‌رسیم، مثل ساعت و موتور خودرو، این‌ها بر خلاف سطح قبل حرکت هم می‌کنند، مهندسی مکانیک این موارد را بررسی می‌کند. در سطح سوم، دستگاه‌های برنامه‌پذیرند، مثل ترموستات که علاوه بر آن که حرکت می‌کند، می‌شود به آن برنامه داد، برنامه‌نویسی کامپیوتر و علم مهندسی کنترل در این سطح است. سطح بعدی سلول است، تک یاخته زنده‌ای که مستقلاً می‌تواند، تولید مثل کند و با محیط ارتباط برقرار کند، دنیای خیلی پیچیده‌تر از دنیای مهندسی! رشته‌های زیست‌شناسی و ژنتیک در این سطح از علم فعالیت می‌کنند. سطح بعدی گیاه و اندام‌هاست، مجموعه‌ای از سلول‌ها که با هم تقسیم وظیفه می‌کنند و هرکدام کاری را به عهده می‌گیرند، رشته‌های پزشکی و گیاه‌شناسی در این سطح فعالیت می‌کنند. سطح بعدی حیوانات هستند، از اینجا آگاهی آغاز می‌شود، جاندارانی که آموزش پذیرند و از تجربه‌های قبلی درس می‌گیرند، کسانی که حیوانات را آموزش می‌دهند و روانشناسان رفتارگرا در این سطح فعالیت می‌کنند. سطح بعدی فهم و تحلیل هیجانات و رفتار انسان خودآگاه است که به لحاظ پیچیدگی فراتر از تمام علوم پزشکی و مهندسی، در بالاترین سطوح علم قرار می‌گیرد. جایی که شما با شگفتی‌های ذهن انسان روبه‌رو می‌شوید و مسایلی را حل می‌کنید که علوم پزشکی و مهندسی، نه تنها، راه‌حلی نمی‌توانند ارائه دهند، بلکه حتی ابزاری برای پیدا کردن مساله ندارند. اینجا آغاز دنیای روان‌شناسی است. خوشحالیم که در رویای بزرگ اکتشاف این سرزمین شگفت‌انگیز، قدم به قدم همراه شما هستیم!

## مقدمه مولف

تصور کنید، یک چوب جادویی دارید. سر جلسه کنکور در هوا تکان می‌دهید و بعد اچی مجی لاترجی! همه سوال‌های لغات را بلدید و با تکنیک‌هایی که یاد گرفتید، به تمامی تست‌های درک مطلب پاسخ می‌دهید! کتاب زبان روان‌آموز، همان چوب جادویی است. برای نوشتن این کتاب، کنکورهای ارشد روانشناسی سال‌های اخیر را با نرم‌افزارهای تحلیل متن، واژه به واژه بررسی کردیم. فرایند هیجان‌انگیزی که ما به شیوه‌ای علمی، انجام دادیم. می‌دانید که یادگیری واژه در بستر و شبکه معنایی تاثیر زیادی در فهم معنای هر کلمه دارد، پس یک قدم جلوتر رفتیم و کلمات را موضوعی دسته‌بندی کردیم. سپس گشتیم و برای هر کلمه مثال مرتبط با روانشناسی از آزمون‌های سال‌های اخیر آوردیم. از مشکلاتی که داوطلبان در زبان با آن مواجه هستند، تعدد منابع، گستردگی مباحث و فرار بودن مطالب است از این رو، وجود کتابی که به طور خلاصه و جامع منابع اصلی این درس را پوشش دهد، ضروری است. ما هرسال آزمون ارشد روانشناسی را کلمه به کلمه تحلیل می‌کنیم و این کلمات و متن‌ها را با لغات و تکنیک‌های معرفی شده در کتاب زبانمان مقایسه می‌کنیم و چه لحظه شیرینی است، وقتی کتاب هرسال ما را رو سفید می‌کند، مثلاً کتاب زبان روان‌آموز صد در صد تیپ تست‌های کنکور ۱۴۰۲ را پوشش داده بود. (این تطابق‌ها را می‌توانید در سایت روان‌آموز مطالعه کنید.) کتاب حاضر، طی این سال‌ها امتحان خودش را پس داده است. شاید ابتدای کار که خواندن لغات و تکنیک‌ها را شروع می‌کنید، همه چیز کند و دشوار به نظر برسد اما به قول شیخ اجل سعدی: «پس از دشواری آسانی است ناچار، ولیکن آدمی را صبر باید» بی‌شک بعد از مدتی صبر و مداومت شیرینی زبان را با جان و دل حس خواهید کرد. این کتاب کنار شما است تا با ارائه گرامرهای ساختاری در درک بهتر جملات و متن‌ها کمکتان کند. در پایان نیز مثل همه این سال‌ها مشتاقانه از نظرات شما برای بهبود کتاب استقبال می‌کنیم. با آرزوی موفقیت و شادکامی.

جلال پریداد، تابستان ۱۴۰۲

روایت از زندگی کن!



# ستاره های روان آموز

سال	رتبه کشوری در آگرایش	نام و نام خانوادگی
۱۴۰۱	+ ۳۹ بالینی - ۱۷ روانسنجی - ۲۳ کودکان - ۳۶ تربیتی	نیما خوش فطرت
۱۳۹۹	+ ۱۷ بالینی	طاهما سلاجقه
۱۴۰۱	+ ۴۹ عمومی - ۱۸ بالینی	مجتاب شرفیه
۱۴۰۰	+ ۱۹ بالینی	فاطمه عموزاده
۱۳۹۹	* ۲۱ بالینی - ۲۹ سلامت - ۱۹ بالینی کودک	آرزو زنجیر مقدم
۱۴۰۱	+ ۲۰ روانسنجی	علیرضا باغبان
۱۴۰۰	+ ۲۰ بالینی	مهسا کشاورز
۱۴۰۰	+ ۲۷ بالینی - ۲۶ کودکان - ۳۰ روانسنجی	علی جولانی
۱۴۰۱	+ ۲۷ تربیتی	نیکو صدوری
۱۴۰۱	* ۲۷ بالینی - ۲۸ بالینی کودک - ۲۸ سلامت - ۳۱ بهداشت روان	ویدا کوه پیمما
۱۴۰۱	+ ۲۸ عمومی - ۲۸ بالینی - ۴۸ روانسنجی - ۳۴ کودکان	ریحانه گل کوند
۱۴۰۰	+ ۲۸ عمومی	عالیه مرادی
۱۴۰۱	+ ۳۱ بالینی	فاطمه جباری
۱۴۰۱	+ ۳۱ عمومی - ۴۷ بالینی	شیدا عباس زاده
۱۳۹۹	+ ۳۱ بالینی	ملیکا بهرامی
۱۴۰۰	* ۳۲ بهداشت روان - ۳۶ سلامت - ۵۰ بالینی	مهدی میدپوریان
۱۴۰۱	+ ۴۲ روانسنجی - ۳۵ کودکان	پریسا کیلا
۱۴۰۱	+ ۳۷ عمومی	علی قائم مقام
۱۴۰۰	+ ۳۷ بالینی	سپیده کاروان
۱۴۰۰	+ ۳۸ عمومی - ۴۰ بالینی	حسین اصلا
۱۴۰۱	+ ۳۹ عمومی - ۴۳ روانسنجی - ۵۰ کودکان	یاسمن کریمی
۱۴۰۱	+ ۳۹ روانسنجی	زهرا نجیبی
۱۴۰۱	+ ۴۷ عمومی - ۳۹ کودکان	فاطمه بزرز
۱۴۰۱	+ ۴۰ بالینی	فرزانه عبدی
۱۴۰۱	+ ۴۲ عمومی - ۱۴ بالینی	فاطمه کرمزانی
۱۴۰۰	+ ۴۸ عمومی - ۴۲ بالینی - ۵۰ کودکان	فاطمه خسروانجام
۱۴۰۱	+ ۴۳ عمومی	علی خدا پناه
۱۳۹۹	+ ۴۴ بالینی	نگار فرحی
۱۴۰۰	+ ۴۵ عمومی	فاطمه ایمانی
۱۴۰۱	+ ۴۶ بالینی	محمد مهدی انبازاده
۱۴۰۰	+ ۴۷ بالینی	مریم میراشه
۱۴۰۱	+ ۴۸ تربیتی	زهرا نیاپیش راد
۱۴۰۰	+ ۴۸ بالینی	کوثر یوسفی

سال	رتبه کشوری در آگرایش	نام و نام خانوادگی
۱۴۰۱	+ ۲ عمومی - ۱ بالینی - ۸ روانسنجی - ۵ کودکان - ۲۳ تربیتی	زهرا قاسمی
۱۳۹۹	+ ۱ تربیتی - ۴۷ کودکان	نیما فریدنی
۱۳۹۸	+ ۱ بالینی	فائزه قدمی
۱۴۰۱	+ ۶ عمومی - ۲ بالینی - ۲۲ روانسنجی - ۵ کودکان	مهرناز یوسفی
۱۳۹۹	+ ۲ عمومی - ۹ بالینی	مهسا محمدی
۱۳۹۹	* ۲ بالینی - ۵ بهداشت روان - ۳ سلامت - ۲ بالینی کودک	سارا بابایی
۱۴۰۰	+ ۳ روانسنجی	نجمه نوری
۱۳۹۸	+ ۱۰ عمومی - ۳ بالینی - ۳۹ کودکان	فریبا میری
۱۴۰۱	+ ۸ عمومی - ۴ بالینی - ۱۲ روانسنجی - ۲۳ کودکان - ۳۰ تربیتی	مجتبی حدائق
۱۴۰۰	+ ۸ عمومی - ۱۲ بالینی - ۱۲ روانسنجی - ۴ کودکان	سارا صابری
۱۳۹۹	+ ۴ کودکان - ۱۱ روانسنجی	فاطمه جھودی
۱۳۹۹	+ ۴ عمومی - ۶ بالینی - ۱۰ روانسنجی - ۱۳ کودکان	امیر حسین ارفع رحیمیان
۱۴۰۱	+ ۳۲ عمومی - ۵ بالینی - ۳۸ روانسنجی	فرزانه قیوم
۱۴۰۱	+ ۵ عمومی - ۱۲ بالینی - ۳۴ روانسنجی - ۳۱ کودکان	علی سلیمی
۱۴۰۰	+ ۲۰ عمومی - ۵ بالینی	محمد علی خائری
۱۴۰۰	+ ۵ عمومی - ۱۶ بالینی - ۹ روانسنجی - ۱۱ کودکان - ۲۵ تربیتی	علیرضا محمودی
۱۳۹۹	+ ۵ کودکان - ۳۲ عمومی - ۳۵ بالینی	زهرا آقاچانی
۱۴۰۱	* ۶ بهداشت روان - ۱۰ سلامت - ۱۶ بالینی - ۱۶ بالینی کودک	زهرا قاسمی
۱۴۰۰	+ ۶ عمومی - ۷ بالینی - ۸ روانسنجی - ۱۰ کودکان - ۲۷ تربیتی	انوشتا ناصر طاهر
۱۴۰۱	+ ۷ تربیتی	مرضیه زمانی
۱۴۰۱	* ۷ بهداشت روان - ۲۳ سلامت	امیر مهدی امرانی
۱۴۰۱	* ۷ بهداشت روان - ۱۸ سلامت - ۳۴ بالینی - ۳۴ بالینی کودک	علیرضا باغبان
۱۴۰۰	+ ۷ عمومی - ۴۴ بالینی - ۱۵ کودکان - ۲۳ روانسنجی	سارا جلودار
۱۳۹۹	* ۱۰ بالینی - ۸ بهداشت روان - ۷ سلامت - ۱۰ بالینی کودک	ساینا فتح الله زاده
۱۴۰۱	* ۸ بالینی - ۹ سلامت - ۸ بالینی کودک	ندا اقلی پور
۱۴۰۱	+ ۴ عمومی - ۹ بالینی - ۵۴ روانسنجی - ۳۸ کودکان	زهرا الهمدی
۱۴۰۰	+ ۹ عمومی - ۳۶ بالینی - ۲۹ روانسنجی - ۳۰ کودکان	سعید یایدار فرد
۱۳۹۸	+ ۱۱ بالینی	مهسا هونجانی
۱۴۰۱	+ ۱۲ عمومی - ۲۴ بالینی - ۱۴ روانسنجی - ۲۷ کودکان - ۳۴ تربیتی	پریا الفتی
۱۳۹۹	+ ۱۲ بالینی - ۳۹ عمومی	سپیده سعادی
۱۴۰۰	+ ۱۳ عمومی - ۲۶ بالینی - ۲۱ روانسنجی - ۳۹ کودکان	سینا صبور
۱۳۹۸	+ ۱۳ بالینی	زینب قاسمی
۱۳۹۹	+ ۲۲ عمومی - ۱۴ بالینی - ۳۱ روانسنجی - ۴۲ کودکان	سارا الله وردی

+ داوطلب وزارت علوم  
\* داوطلب وزارت بهداشت

برای اطلاع از جدیدترین ستاره های سال ۱۴۰۲ روان آموز، QR code را اسکن کن.  
راستی تابه حال از خودت پرسیده ای چرا تو یکی از هزار هزار ستاره ما نباشی!؟



# نظرات رتبه برترها

## زهرا قاسمی - رتبه ۱ کنکور ۱۴۰۱

اصلا باور نمی‌کردم همونطور که در آزمون جامع روان آموز رتبه تک رقمی شدم در کنکور واقعی هم همینطور بشه. من از کتاب‌ها، کلاس‌ها و اپلیکیشن نارنگی خیلی استفاده کردم و به نظرم واقعا اثرگذار بود.

## مجتبی حدائق - رتبه ۴ کنکور ۱۴۰۱

کلاس‌های رشد و بالینی خانم دکتر خجوی خیلی جامع مباحث رو پوشش می‌دادن و من دو هفته آخر برای دوره و مرور بهشون تکیه کردم و برای شخص من خیلی مفید و کاربردی بودن.

## زهرا احمدی - رتبه ۹ کنکور ۱۴۰۱

من از کتاب‌ها و کلاس‌های روان آموز استفاده کردم. قطعاً نقش پررنگی در این مسیر داشت و اگر این کتاب‌ها به این خوبی تالیف نمی‌شدند، جمع‌آوری این نکات از کتب مختلف قطعاً کار طاقت فرسا و غیرممکنی بود. آزمون جامع مرحله یک رو هم شرکت کردم و در اون آزمون به نظرم سوال‌های خیلی خوبی طرح شده بود.

## سارا صابری - رتبه ۴ کنکور ۱۴۰۰

از همه محصولات روان آموز از جمله کلاس رشد و بالینی و کتابها استفاده کردم. واقعا ممنونم که تو سال کنکور نه مثل موسسه‌های کنکوری، بلکه مثل یه دوست واقعی کنارمون بودن.

## محمدعلی حائری - رتبه ۵ کنکور ۱۴۰۰

لازم می‌دونم که یک تشکر ویژه از مجموعه روان آموز داشته باشم که واقعا در موفقیت من موثر بود و به کنکوری‌های آینده هم کتابا و جزوات و مخصوصاً اپ نارنگی روان آموز رو پیشنهاد می‌کنم.

## سارا جلوداری - رتبه ۷ کنکور ۱۴۰۰

من خیلی خوشحالم که تو مسیر کنکور روان آموز رو کنارم داشتم؛ چون تیم کاملیه، چه از نظر منابع درسی و کلاس‌های آنلاین و چه از نظر طرح‌های مشاوره، انتخاب مناسبیه.

## زهرا آقاجانی - رتبه ۵ کنکور ۱۳۹۹

من از کتاب‌های روان آموز استفاده کردم و واقعا به دور از اغراق می‌گم خیلی فوق‌العاده بود. بین تمامی جزوات و کتاب‌های کمک آموزشی روان آموز بهترینیه. کتاب‌هایی کامل، بدون اضافه‌گویی و واقعا مختصر و مفیده. محتوای غنی کتاب‌های روان آموز علاوه بر اینکه در طول سال مناسب‌ترین منابع جمع‌بندی هم هستن، اگر دوباره به عقب برگردم حتماً از خدمات مشاوره روان آموز هم کمک می‌گیرم.

## فریامیری - رتبه ۳ کنکور ۱۳۹۸

من ابتدا قصد داشتم منابع اصلی رو بخونم ولی به علت کمبود وقت از کتاب‌های روان آموز استفاده کردم که خیلی برام مفید بود و خودم فکر نمی‌کردم تکیه کردن به خلاصه‌ها بتونه همچین نتیجه‌ای برام داشته باشه.

## سینا محمدباقری - رتبه ۳ کنکور ۱۴۰۰

با توجه به پراکندگی منابع، حجم گسترده و محدودیت زمانی که داشتم، دنبال یک منبع جامع و در عین حال اقتصادی می‌گشتم و در نهایت کتاب روان آموز رو انتخاب کردم و کاملاً راضی بودم.

## مرضیه زمانی - رتبه ۷ کنکور ۱۴۰۱

یک بار در آزمون آزمایشی شرکت کردم که در ترتیب پاسخگویی به دروس خیلی کمکم کرد. رتبه‌ام چهار شد، اپ نارنگی رو داشتم، ولی خب دیر باهاش آشنا شدم، از کارگاه رشد خانم خجوی هم استفاده کردم. همچنین ممنونم ازشون که یه سری خدمات آموزشی درسایت روان آموز رو رایگان در اختیار داوطلبین قرارمی‌دن.

## محمد احمدوند - رتبه ۱۲ کنکور ۱۴۰۱

خوشبختانه پوشش جامع کتاب‌های روان آموز باعث شد که بی‌نیاز از مطالعه منابع اولیه باشم؛ این مسئله به ویژه درباره کتاب آسیب‌شناسی روانی صدق می‌کرد.

## فاطمه ایمانی - رتبه ۴۵ کنکور ۱۴۰۰

کلاس‌های بالینی و رشد خانم خجوی عبور از چالش رو برام ممکن کرد. بازخورد خوبی هم از یادگیریم می‌گرفتم. رشد سه برابر درصدهامو نشون میداد. تمام مطالب سخت و مبهمی که برام وجود داشت با توضیحات عمیق خانم دکتر به نقطه قوت تبدیل شدن. موسسه روان آموز با تمام کتاب‌ها و کلاس‌ها و اپلیکیشن‌ها یه مرجع بی‌کم و کاست برای کنکور روانشناسیه.

## انوشا ناصرطاهری - رتبه ۶ کنکور ۱۴۰۰

مطالعه برای ارشد روانشناسی رو از سایت روان آموز شروع کردم. فررنس‌های معرفی شده رو پیدا کردم و خوندم. از کتاب‌های روان آموز استفاده کردم و راضی بودم چون پوشش دهی خوبی از نکات اصلی داره.

## نیما فریدنی - رتبه ۱ کنکور ۱۳۹۹

من به شخصه چون یک هفته مانده به کنکور مطالعه و مرور منابع را تمام کرده بودم، از طرفی هم دیدی نسبت به شکل کنکور نداشتم و تا حدی هم استرس داشتم، تصمیم گرفتم آزمون جامع آخر را شرکت کنم که بسیار در جمع‌بندی، مطالعه‌ی نکات مهم و جامانده و البته سنجش از خودم، به من کمک کرد.

## فانزه قدیمی - رتبه ۱ کنکور ۱۳۹۸

من از کتاب‌ها و برنامه نارنگی استفاده کردم. روان آموز موسسه واقعا خوبیه و کیفیت کتاب‌ها خوبه.

## مهسا هونجانی - رتبه ۱۱ کنکور ۱۳۹۸

من خیلی از کتاب‌های روان آموز و مطالب سایتشون استفاده کردم و بی‌تعارف به نظرم روان آموز یکی از منطقی‌ترین و صحیح‌ترین کتاب‌های روانشناسی رو داره.



## درصد تطابق

می‌دانید که با مطالعه دقیق و کامل کتاب‌های جامع روان‌آموز، می‌توانید در هر درس، درصد بالایی در آزمون کسب کنید. برای تایید این سخن، روان‌آموز هر سال با ارائه فایل مستندات دقیق، میزان پوشش دهی کتاب‌ها را محاسبه و منتشر می‌کند. درصد تطابق کتب روان‌آموز با کنکور کارشناسی ارشد روانشناسی سال ۱۴۰۲ نیز به شرح زیر است:

برای مشاهده فایل تحلیل درس به درس کنکور ۱۴۰۲ همراه با فایل مستندات، QR code زیر را اسکن کن!



به نظر شما هواپیما در چند درصد زمان پرواز در مسیر از پیش تعیین شده حرکت می‌کند؟ صفر درصد! سیستم خلبان خودکار در هر ثانیه هزاران بار اختلاف موقعیت فعلی هواپیما را با موقعیتی که باید در آن باشد، محاسبه کرده و دستوره‌های اصلاحی مورد نیاز را صادر می‌کند. رولف دوبلی در کتاب هنر خوب زندگی کردن می‌گوید: اصلاح، یک جزء همیشگی در مسیر زندگی است و رمز بقا و ماندگاری محسوب می‌شود.

ما هم در روان‌آموز هر چند تمام تلاشمان را برای ارائه بی‌عیب و نقص کتاب‌ها و سایر محصولات انجام می‌دهیم اما معتقدیم، اصلاحات و اضافات را نباید دست کم گرفت. هر چند که هر ساله پس از برگزار شدن کنکور اقدام به جمع‌آوری اطلاعات جدید و به‌روز در تمامی درس‌ها مطابق با آخرین تغییرات کتاب‌های مرجع و منبع اصلی و شیوه طراحی تست طراحان کنکور می‌کنیم (کاری که کمتر موسسه‌ای می‌کند)، اما باز هم پس از انتشار کتاب‌ها، این روند را متوقف نمی‌کنیم. مولفین و همکاران تیم روان‌آموز همه روزه در حال مطالعه و تفحص در باب مباحث علمی و مشاوره‌ای کنکور هستند تا چنانچه محتوا و مطالب جدیدی به دستمان رسید، آن‌ها را با شما نیز به اشتراک بگذاریم. هر چند این کار بسیار سخت و زمان‌بر است، اما از آن‌جا که ما خود را در قبال داوطلبین و مخاطبینمان متعهد و مسئول می‌دانیم، این پروسه پیچیده برایمان شیرین و اثربخش است. این QR code ها در واقع نقش تکمیل‌کننده برای هر کتاب ایفا می‌کنند. ما در طول یک سال تحصیلی از طریق این لینک‌ها با تمام افرادی که کتاب‌ها را تهیه کرده‌اند در ارتباط خواهیم بود و در صورت لزوم محتواهای مکمل از جمله مقالات، مطالب علمی جدید و تست‌های مرتبط را جهت استفاده شما در لینک‌های مربوطه بارگذاری خواهیم کرد. لازم به ذکر است استفاده از محتوای مکمل، فقط در همان سال و ویژه داوطلبانیست که کتب چاپ جدید را تهیه کرده‌اند.

اطلاع‌رسانی‌ها در مورد انتشار محتوای جدید نیز از طریق کانال‌های روان‌آموز در شبکه‌های اجتماعی انجام می‌شود.



فصل ۱/ درک مطلب	۹
فصل ۲/ تکنیک‌های درک مطلب	۲۸
فصل ۳/ متون روانشناسی و پاسخ تشریحی	۳۵
فصل ۴/ لغات پایه به روش D.E	۱۹۹
فصل ۵/ عکس و مکث	۲۶۸
فصل ۶/ مروری بر لغات احتمالی کنکورها و آزمون‌های آتی	۲۹۲
فصل ۷/ اشکال سه‌گانه افعال مهم	۲۹۷
فصل ۸/ واژگان، اصطلاحات عمومی و تخصصی مهم متون روانشناسی	۳۰۲
فصل ۹/ پرکاربردترین قیدها در متون روانشناسی	۳۱۸

## فهرست مطالب

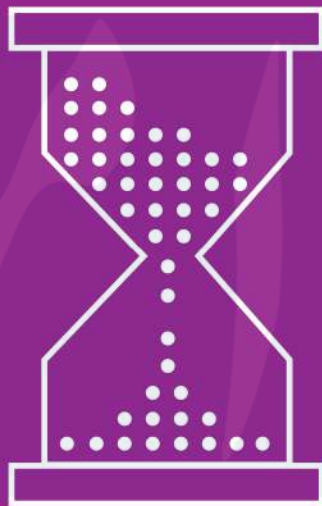
● خوشحالیم که روان آموز را انتخاب کرده‌ای و در مسیر تبدیل شدن به یک روانشناس خبره، این فرصت را داریم که کنارت باشیم. تمام تلاش ما این است که همراه بهتری باشیم.



به پایان آمد این دفتر، حکایت ما و شما همچنان باقیست. حالا که به انتهای این فهرست رسیده‌ای برای بهبود این همراهی، به همکاری ات نیاز داریم. حتی یک ایده که به نظر خودت شاید خیلی کوچک بیاید، ممکن است برای ما حسابی راهگشا باشد. در این لینک یک فرم نظرسنجی هم داریم که به پاس زمانی که برای پاسخگویی اختصاص می‌دهی، جوایز ارزنده‌ای در نظر گرفته‌ایم که پس از برگزاری کنکور به قید قرعه تقدیم خواهد شد.

برای ثبت ایده یا شرکت در نظرسنجی QR code را اسکن کن!

# I AM GOING TO BE A PSYCHOLOGIST



## داستان یک سفر...

امید داریم لذت گشت و گذار در دنیای این کتاب به جانتان بنشیند. خوشحال می شویم اگر قبل از شروع این کتاب، اهداف و رویاهای خود را در این زمینه بنویسید و عکس این صفحه را برای ما ارسال کنید. این صفحه در مواقع سخت و بحرانی مطالعه برای کنکور، همیشه کنار توست.





# فصل ۱

## درک مطلب

### درک مطلب چیست؟

متون روانشناسی کنکور ارشد وزارت علوم در ۲۰ سال اخیر (از سال ۱۳۸۱) دستخوش تغییرات فراوانی شده است، از داشتن انواع سوالات (مثل: واژگان، گرامر، کلوز تست و درک مطلب) تا اکنون که فقط شامل سوالات درک مطلب است. درک مطلب بخشی است که طراح با ارائه متنی درباره یک موضوع و طرح انواع سوالات (سوالات استنباطی و سوالات جزئی) میزان فهم و درک شما را از یک متن می‌سنجد.

#### ● سوالات استنباطی

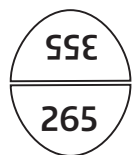
در این نوع سوالات شما باید از مطلبی مشخص شده (گاهی یک جمله، یک پاراگراف یا گاهی کل متن) استنباط کنید و منظور طراح یا متن را تشخیص دهید. این دسته سوالات اکثراً زمانبرند و اغلب از درجه سختی بالاتری برخوردارند.

#### ● سوالات جزئی

سوالاتی هستند که به صورت مستقیم در متن به آن‌ها اشاره شده است و اغلب به نسبت سوالات استنباطی آسان‌ترند و یا حداقل پاسخ آن‌ها سریع‌تر نمایان می‌شود.

از آنجایی که مهم‌ترین چیز در پاسخگویی به سوالات یک درس در روند پاسخگویی به سوالات کنکور، داشتن استراتژی پاسخگویی است، انواع سوالات درک مطلب را به این دو دسته تقسیم کرده‌ایم که اگر خدایی نکرده در جلسه کنکور از زمان و زبان (!) غافل شدید و صرفاً می‌خواهید به درصد مشخصی برسید نیز بتوانید به تعدادی از سوالات پاسخ دهید. در حالت عادی برای شما داوطلبان خوب و سر به راهی که از زمان و زبان غافل نمی‌شوید و اعتماد به نفس خود را با تمرین و تلاش می‌سازید، این استراتژی به شما کمک می‌کند که بدانید ابتدا باید به سوالات جزئی و سپس به سوالات استنباطی پاسخ دهید تا با پاسخ‌دهی در مدت کوتاه، زمان ذخیره کنید، به درصد مطمئن و نقطه امنی برسید و زمان باقیمانده اختصاص یافته به هر متن را با استفاده از تکنیک‌هایی که بیان می‌کنیم، در نهایت آرامش صرف پاسخگویی به سوالات استنباطی کنید.

طبق تحلیل‌های دقیق آماری استخراج شده از متن‌های مورد استفاده در کنکور، هر متن به طور متوسط بین ۲۶۵ تا ۳۵۵ کلمه دارد. (البته در بیشتر سال‌ها حداقل یک متن وجود داشته است که زیر ۲۵۰ کلمه داشته است، مانند: متن سوم کنکور سراسری ۹۷ درباره نقش آموزش زنان که بعضاً این متن‌ها سوالات ساده تری هم دارند.) اگرچه که این به معنای عدم وجود متون طولانی‌تر نیست و در کنکورهای سال‌های گذشته متونی با بیش از ۴۰۰ کلمه هم وجود داشت!



هر مجموعه سوال در کنکور ارشد مجموعه روانشناسی تا سال ۱۴۰۱ حاوی ۳۰ سوال (در قالب ۵ یا ۶ متن) بود که در سال ۱۴۰۲ به ۲۵ سوال (در قالب ۵ متن ۵ سوالی کاهش یافت و معلوم نیست که این رویه تعداد سوالات در کنکور ۱۴۰۳ هم وجود داشته باشد یا خیر).

هم‌اکنون در سایر مجموعه سوالات کنکور ارشد و ارشد بهداشت حتی مجموعه مشاوره و علوم شناختی علاوه بر درک مطلب نیز سوالات گرامر، لغت و کلوز تست موجود است ولی سوالات مجموعه روانشناسی فقط متن و سوالات متن است. همچنین لازم به ذکر است که قبل از سال ۸۷ ارشد مجموعه روانشناسی هم سوالات لغت، گرامر و کلوز تست داشته است. تکنیک‌های درک مطلب کلیه آزمون‌های ارشد و دکتری با این کتاب قابل پاسخگویی است.

#### نکات و اصول کلی پاسخگویی به سوالات درک مطلب:

نکته کوچک و سرنوشت‌سازی که کسی به آن اعتنا نمی‌کند صورت سوالات درک مطلب است! صورت سوال این است:

Directions: Read the following five passages and answer the questions by choosing the best choice (1), (2), (3), or (4). Then



mark the correct choice on your answer sheet.

حالا با هم ترجمه اش کنیم:

راهنمایی: پنج متن زیر را بخوانید و به سوالات با انتخاب **بهترین گزینه** (۱)، (۲)، (۳) یا (۴) پاسخ دهید. سپس گزینه صحیح را در پاسخ برگ خود مشخص کنید.

بله درست حدس زدن تمام هیاهوی پاسخگویی به سوالات درک مطلب زیر سر همین بهترین گزینه است، خب این یعنی چی؟! این انتخاب بهترین گزینه یعنی اینکه در یک سوال میتونه چند تا جواب درست وجود داشته باشه اما طراح بزرگوار بهترین جواب و درست ترین جواب رو از ما می خواد. خب حالا این قضیه بیشتر کجاها پیش میاد؟! در سه نوع سوال انتخاب بهترین گزینه بیشتر از همه سوال برانگیز می شه: ۱. سوالات استنباطی ۲. سوالات حدس معنی واژگان ۳. سوالات ایده اصلی متن یا پاراگراف. (انتخاب عنوان و...) در شرح و تفصیل تکنیک های تست زنی انواع سوالات بیشتر در موردشون صحبت می کنیم.

**نکته:** فقط به اطلاعاتی که متن به شما می دهد تکیه کنید.

دیده شده که بعضی دوستان وقتی به کلیتی از موضوع رو در متن تشخیص دادن که اون رو قبلاً در دروس دیگه به فارسی خوندن، سریعاً میرن سراغ سوال ها و طبق دانش فردی خودشون به سوال ها جواب میدن! مثل این بعضی ها نباشید 😊 چون گاهی اتفاق افتاده که نویسنده ی متن در حال نقد اون مطلب بوده و شواهدی بر علیه اون مطلب رو ارائه داده، بعد همون دوستان بر اساس اطلاعات خودشون اشتباه جواب دادن!

**نکته:** اینکه بستر پاسخگویی به سوالات درک مطلب را واژگان تشکیل می دهد، امری کاملاً صحیح است اما این باعث نمی شود تا در هنگام پاسخگویی به سوالات و مراجعه به متن ها با وسواس به واژگان بنگریم! در عین حال، نباید از افزایش دامنه لغات خود صرف نظر کنید چرا که یکی از اساسی ترین شیوه های حدس واژگان ناآشنا از طریق فهم موضوع و واژگان پیرامونی لغت ناآشنا اتفاق می افتد. حال تصور کنید که نه واژگان پیرامونی را میشناسید و نه واژه ناآشنا، چه اتفاقی می افتد؟!

تجربه نشون داده که ندونستن تقریباً ۹۰ درصد لغات ناآشنا هیچ تاثیری در درک شما از متن نداره یا حتی معنی بسیاری از لغات ناآشنا در متن رو طبق تکنیک هایی که توی این کتاب به شما توضیح می دیم، میشه حدس زد.

اصل تحمل ابهام در برخورد با واژگان: نه آن ها را در دیکشنری پیدا کنید و نه در مطالعه متن روی معانی آن ها تمرکز کنید و به جای این کار از تکنیک فلان (مثلاً اگر کلمه ناآشنا در جایگاه فاعل قرار گرفته بود از «فلانی» / یا اگر کلمه ناآشنا در جایگاه فعل قرار گرفته بود از «فلان می کند» / اگر کلمه ناآشنا در جایگاه مفعول قرار گرفته بود از «فلان کس را» یا «فلان چیز را» / اگر کلمه ناآشنا در جایگاه قید مکان / قید زمان / قید حالت قرار گرفته بود به ترتیب از «فلان جا» / «فلان زمان» / «فلان طور») استفاده کنید، چرا که برای پاسخگویی به سوالات درک مطلب نیازی به دانستن همه ی لغات متن ندارید. کمی جلوتر با نقش واژگان در جمله و ترتیب نقش ها در جملات انگلیسی بیشتر آشنا خواهید شد. بعضی داوطلبین معتقدند که «من آنقدر باید لغت بخوانم که هر لغتی را در کنکور ارشد دیدم بتوانم معنی آن را در جمله جایگذاری کنم!» این اعتقاد از ریشه غلط است! چرا که مطمئن باشید حتی با مطالعه ده ها هزار لغت هم به این توان دست نخواهید یافت. اگر فرضاً به معنای لغتی واقعا احتیاج داشتید، تکنیک های ذیل جهت یافتن مفهوم کلی آن به شما کمک می کند:

به جملات بدل توجه کنید. (جملات بدل، جملاتی هستند که توضیحی را راجع به آخرین کلمه ارائه می کنند و حذفاصل دو، ---، قرار می گیرند.)

Cucumber, something like banana in shape and green cover that categorized in vegetables, may find in Iranian salad.

خیار، چیزی شبیه به موز از لحاظ شکل و پوسته سبز که در طبقه سبزیجات جای گرفته است، ممکن است در سالاد ایرانی پیدا شود. (در اینجا مثلاً کلمه cucumber را نمی دانیم و از طریق جمله بدل که بین دو کما قرار گرفته است، خیار را حدس می زنیم)

گاهی اوقات خود نویسنده کلمه ناآشنا را با کلمات زیر، در ادامه جمله برای شما تعریف کرده است.

Is / are / means: هست، معنی می دهد، به معنای ... است

Refers/is referred to as: ... اشاره دارد به ...

Is called/are called: ... گفته می شود / ... اطلاق می شود

Is known as: ... شناخته می شود به عنوان ...

اگر به علائم نگارشی (کاما، کروشه، پرانتز، خط تیره) در متن توجه کنید، حتماً سرخ هایی برای معنی آن کلمات پیدا خواهید کرد.

به کلمات ربط، کلمات و عبارات بیان کننده شباهت یا تفاوت ها دقت کنید:

### بیان شباهت‌ها

Similarly = به طور مشابهی	شبيه، مانند = Like
Just as = ... درست مثل	In the same way = به همین ترتیب، به همین صورت
Also = همچنین	مثل (such as...) = As

### بیان تفاوت‌ها

On the other hand = از سویی دیگر، از طرفی دیگر	در مقابل = On the contrary
Nevertheless = ... حتی مگر ... / حتی اگر ...	به طور متفاوتی = Differently

### بیان تضادها

Although = اگرچه (تضاد غیر مستقیم)	though = اگرچه (تضاد غیر مستقیم)
even though = اگرچه (تضاد غیر مستقیم)	But = اما (تضاد مستقیم)
While = (اما) که در حالی که	Whereas = چرا که، در حقیقت
In spite of / despite of = علیرغم	In contrast / unlike = ... تضاد با

به مثال‌هایی که خود نویسنده برای تفهیم یک لغت ناآشنا می‌زند یا به لغات بعد از کلمات ذیل حتما توجه کنید.

For example / for instance = ... برای مثال	In addition / in addition to = ... علاوه بر این
Furthermore = ... بیشتر از این ... / علاوه بر این	In particular = به طور مشخص
Such as = مثلاً، مثل	e.g. = مثلاً، مثال، مثل

به سرواژه سازی‌ها (انتخاب حرف اول از کلمات یک عبارت) برای کوتاه کردن کلمات بلند دقت کنید. مثال:

A.P.A: American psychiatric association (انجمن روانپزشکان آمریکا)

گاهی اوقات نویسنده کلمات و عبارات مختلف را به طریق دیگری بیان می‌کند تا خواننده متوجه آن شود.

That is / that is to say = به عبارت دیگر	یا or و And
In the other words = به عبارت دیگر	به عبارت دیگر = i.e.

به نقش یک کلمه در جمله حتما دقت کنید و از تکنیک فلان استفاده کنید تا بتوانید مفهوم کلی کلمه را بعد از اتمام مطالعه جمله به طور تقریبی حدس بزنید.

از پیشوندها و پسوندهای هر کلمه (جلد اول زبان روان به طور کامل لیست شده اند.) در تشخیص معنا و ریشه یابی یک لغت استفاده کنید. نکته: سرعت شما در مطالعه متن‌ها یکی دیگر از عوامل بسیار مهم برای موفقیت در پاسخگویی به سوالات درک مطلب است.

## مهمترین عواملی که در سرعت مطالعه شما تاثیر می‌گذارند عبارت‌اند از:

۱. تمرین بسیار زیاد، ۲. مطالعه صحیح متن‌ها، ۳. فرآیند صحیح پاسخگویی

### ● تمرین بسیار زیاد

هر متنی از هر کجا که دیدید، بی معطلی آن را مطالعه کنید.

### ● مطالعه صحیح متن

یکی از بدترین اتفاقاتی که در داوطلبین کنکور دیده می‌شود این است که «بعضی از دوستان انگار اومدن سواحل قناری، لیموناد تو دستشونه، باد تو موهاشون میپیچه و در همون حین یه متنی رو هم دست گرفتن و میخوان بخونن! کلمه به کلمه میخونن، بلند بلند میخونن انگار که دارن شاملو میخونن، ده بار برمیکردن به عقب انگاری دارن کلیله و دمنه میخونن! برای درست خوندن یه سری از نکات کلی رو مثل: خط بردن با خودکار یا مداد برای حفظ سرعت، عدم بازگشت و گم نکردن خط، با چشم خوندن رو گفتیم اما در مورد خوانش صحیح متن هم تکنیک جالبی رو یکم جلوتر براتون می‌گیم تا با تمرین کردنش قشنگ حرفه ای بشین.»

### ○ فقط با چشم مطالعه کنید و از تلفظ یا ادای کلمات با لب‌ها خودداری کنید.

اون عزیزی رو که با اطلاعات خودش جواب میداد یادتونه؟! آره، همون دوست عزیز به بلند خوندن هم عادت داشت. خب حالا چرا ما می‌گیم



## فصل ۲

### تکنیک‌های درک مطلب

تا به اینجای کار با اصول خوانش متون، ساختار کلی جملات در زبان انگلیسی، تکنیک‌های کلی درک مطلب مانند اسکیم و اسکن آشنا شدیم. اکنون به معرفی پروتکل مواجهه با هر متن می‌پردازیم و سپس تکنیک‌های پاسخگویی به هر تیپ سوال را آموزش می‌دهیم. پروتکل مواجهه با درک مطلب:

۱. ابتدا صورت سوالات را مطالعه می‌کنیم.

۲. الویت اول پاسخگویی برای سوالی خواهد بود که ما را مجبور به اسکیم متن کند (در هر صورت باید ابتدا متن را اسکیم کنیم، پس چه بهتر است که به عنوان الویت اول سوالی را انتخاب کنیم که بتوانیم فی الفور به آن پاسخ دهیم یا سوالی را انتخاب کنیم که به موضوع کلی متن یا حداقل یک پاراگراف ربط دارد) و اگر این چنین سوالی وجود نداشت، سوالات جزئی تر الویت‌های اول را به خود اختصاص خواهند داد. سوالات استنباطی تر هم در آخرین الویت‌های پاسخگویی قرار می‌گیرند.

۳. از اولین سوالی که مشخص کردیم شروع به پاسخگویی می‌کنیم. اگر سوالی بود که نیاز به اسکیم داشت، شروع به اسکیم متن می‌کنیم و بلافاصله همان سوال را پاسخ می‌دهیم و سپس الویت‌های بعدی را بررسی می‌کنیم و پاسخ می‌دهیم. اگر بین سوالات متن، سوالی وجود نداشت که صرفاً با اسکیم قابلیت پاسخگویی را داشته باشد، باز هم ابتدا متن را اسکیم می‌کنیم و بعد سراغ اولین الویت پاسخگویی می‌رویم. **نکته اول:** سوالاتی که صرفاً با اسکیم تنها قادر به پاسخگویی آن‌ها خواهیم بود (که بالطبع به عنوان الویت اول پاسخگویی سوالات متن خواهند بود)، عبارت‌اند از:

۱. ایده اصلی کل متن (تیپ اول - نوع اول)

۲. هدف نویسنده و یافتن چرایی‌ها (تیپ دوم - نوع اول)

۳. حدس موضوع پاراگراف‌های ناموجود پس از متن یا قبل از متن (تیپ ششم) / این تیپ از سوالات در دسته سوالات جزئی هم می‌تواند قرار بگیرد.

۴. لحن و نگرش نویسنده (تیپ هشتم)

۵. ساختار متن (تیپ دهم)

**نکته دوم:** سوالات جزئی تر که نیازی به تسلط بر کل متن ندارند و غالباً با مطالعه یک جمله یا نهایتاً یک پاراگراف حل می‌شوند و طبعاً در زمان کوتاهی هم به پاسخ می‌رسیم. ابزار اصلی پاسخگویی به این سوالات اسکن است. سوالات جزئی تر عبارتند از:

۱. ایده اصلی یک پاراگراف (تیپ اول - نوع دوم)

۲. سوالات ارجاع ضمیر، کلمه یا عبارت (تیپ سوم)

۳. سوالات حدس کلمات ناآشنا (تیپ پنجم)

۴. هدف نویسنده و یافتن چرایی‌ها (تیپ دوم - نوع دوم و سوم)

۵. سوالات جزئیات (تیپ چهارم - نوع اول)

**نکته سوم:** سوالات استنباطی تر، سوالاتی هستند که علاوه بر اسکیم نیاز به اسکن و یا گاهی نتیجه‌گیری داوطلب دارند. علت تقسیم بندی ما به صورت سوالات جزئی تر و سوالات استنباطی تر این است که جزئی بودن یا استنباطی بودن سوالات اغلب به صورت جزئی محض یا استنباطی محض نیستند و یک سوال گاهی یک یا چند گزینه استنباطی دارد و سایر گزینه‌ها جزئی هستند. پاسخ‌گویی به این دسته از سوالات، همیشه در آخرین الویت‌های پاسخگویی ما قرار می‌گیرند تا با خیال راحت سراغ آن‌ها رفته و با پاسخگویی به سوالات ساده و ذخیره زمان، حاشیه امنی را ایجاد کنیم و اگر مطمئن نبودیم به این سوالات پاسخ ندهیم. سوالات استنباطی تر شامل همه سوالاتی می‌شود که

در دسته بندی‌های نکته اول و دوم قرار نگرفتند که عبارتند از:

۱. سوالات جزئیات (تیپ چهارم - نوع دوم و سوم)

۲. سوالات استنباطی (تیپ هفتم)

۳. سوالات EXCEPT / NOT (تیپ نهم)

شاید این سوال برای شما داوطلب گرامی پیش بیاید که «من سوالات بسیاری از تیپ‌های نهم و چهارم دیده‌ام که صرفاً با توجه به یک یا چند جمله امکان حل شدن داشته‌اند و چرا آنها را در این دسته سوم و به عنوان آخرین الویت پاسخگویی قرار داده‌اید؟» پاسخ واضح است! در جلسه کنکور این امکان وجود ندارد که شما ریسک کنید و گزینه‌ها را مطالعه کنید و در آخر به این نتیجه برسید که پاسخگویی به این سوال زمان بر و استنباطی است یا خیر! برای دوری از این اتفاقات، ترجیح می‌دهیم که ریسک نکنیم و به عنوان آخرین الویت پاسخ دهیم. حال سراغ تیپ بندی سوالات و شیوه پاسخگویی به هر تیپ سوال می‌رویم.

### تیپ اول: ایده اصلی متن

قطعا هر نویسنده‌ای با نوشتن یک متن، قصد صحبت راجع به موضوع خاصی را دارد. تیپ سوال ایده اصلی متن، غالباً به عنوان سوال اول متن‌ها دیده می‌شود که دو نوع دارد:

نوع اول: کلی (طراح سوال، ایده اصلی کل متن را از ما می‌خواهد.)

نوع دوم: جزئی (طراح سوال، ایده اصلی یک پاراگراف مشخص را از ما می‌خواهد.)

شکل کلی صورت سوال این تیپ تست‌ها عبارت است از:

The passage is primarily concerned with discussing..... (کلی - نوع اول)

what does the passage mainly discuss? (کلی - نوع اول)

what would the possible / best topic be for the above passage? (کلی - نوع اول)

the passage is mainly about ..... (کلی - نوع اول)

the passage is mainly concerned with ..... (کلی - نوع اول)

the primary idea / topic of this the passage is ..... (کلی - نوع اول)

what does the paragraph X mainly discuss? (جزئی - نوع دوم)

what would the possible / best topic be for paragraph X? (جزئی - نوع دوم)

the paragraph X is mainly about ..... (جزئی - نوع دوم)

the paragraph X is mainly concerned with ..... (جزئی - نوع دوم)

the primary idea / topic of this the paragraph X is ..... (جزئی - نوع دوم)

### ● راهبرد کلی حل این تیپ تست

۱. ابتدا باید متن را SKIM کنیم (مطابق دستورالعملی که در صفحات قبل توضیح دادیم!) اگر جزئی بود، یعنی ایده اصلی یک پاراگراف را از ما خواسته بود، همان یک پاراگراف مشخص از متن را اسکیم کنیم (خط اول و آخر همان یک پاراگراف را تا حد فهم بخوانیم).

اگر کل متن را قرار بود اسکیم کنیم بستگی به تعداد پاراگراف‌های متن دارد (متن تک پاراگرافی: خط اول و آخر همان یک پاراگراف تا حد فهم خوانده شود / متن دو پاراگرافی: خط اول و آخر هر دو پاراگراف تا حد فهم خوانده شود / متن ۳ و بیشتر از ۳ پاراگراف: خط اول و آخر پاراگراف اول و آخر تا حد فهم خوانده شود + مطالعه خط اول پاراگراف‌های میانی تا حد فهم مطلب)

۲. پاسخ صحیح این تیپ تست، الزاماً با لغات تشکیل دهنده متن در گزینه‌ها دیده نمی‌شود و گاهاً طراح از لغات مترادف استفاده می‌کند!

۳. لغاتی که در متن خیلی به چشم می‌خورند، می‌توانند سرخی برای پیدا کردن ایده اصلی متن باشند!

۴. گزینه‌ای را که به عنوان پاسخ صحیح این تیپ سوال انتخاب می‌کنیم باید ۳ ویژگی اصلی داشته باشد:

نه خیلی کلی باشد

نه خیلی جزئی باشد



## فصل ۳

# متون روانشناسی و پاسخ تشریحی

### توضیحی برای فصل پیش رو!

برای شروع متن خوانی و تمرین خواستیم از سال ۱۴۰۱ شروع کنیم اما دیدیم قطعاً چیز خوبی از کار در نمی‌آید و شاید وحشت کنید! پس رفتیم به ۱۱ سال پیش و با متن‌های سال ۹۰ شروع کردیم.

تا قبل از سال ۸۹، درس متون روانشناسی به زبان انگلیسی در کنکور ارشد روانشناسی به این شکلی که امروز هست، نبود! سوالات واژگان، گرامر، کلوز تست و درک مطلب داشت. در تمام متن‌های این کتاب، معانی لغات، عبارات و اصطلاحات عمومی و تخصصی را به تفکیک متن و سال آورده‌ایم و در متن‌ها الویت بندی پیشنهادی جهت حل سوالات را ارائه کردیم. سوالات به دو دسته جزئی تر و استنباطی تر تقسیم شده اند و خانه یکی از سوالات جزئی تر را به رنگ خاکستری درآورده‌ایم، چرا که می‌تواند شروع خوبی برای پاسخگویی به سوالات متن باشد و دلیل انتخاب آن سوال به عنوان سوال شروع این است که ما را به سمت اسکیم کردن متن هل می‌دهد! بعد از تعیین الویت اول برای پاسخگویی (سوال داخل خانه خاکستری رنگ)، برای الویت بندی سراغ سایر سوالات جزئی تر بروید و بعد از اتمام الویت بندی تمام سوالات جزئی تر، الویت‌های آخر را به سوالات استنباطی تر اختصاص دهید. بین سوالات دسته جزئی تر و یا سوالات دسته استنباطی تر، الویت بندی معمولی را انجام دادیم اما الزاماً قرار نیست برای شما مناسب باشد! چرا که بعد از مدتی تمرین متوجه خواهید شد که چه سوالاتی را در هر دسته راحت تر و سریعتر پاسخ می‌دهید و حسب تجربه به این مهم خواهید رسید.

در بحث الویت بندی سوالات جهت پاسخگویی در جلسه کنکور که باید از هم اکنون تمرین شوند، دو هدف را دنبال کنیم:

۱. نظم بخشی به ذهن داوطلب با طبقه بندی اطلاعات متن

۲. تسریع در پاسخگویی در عین کاهش زمان پاسخگویی به سوالات

شیوه الویت بندی پاسخگویی به سوالات الزاماً یک نوع نیست ولی طبق یک سری اصول مشخص انجام می‌شود که عبارت‌اند از:

۱. اولین سوال برای پاسخگویی باید سوالی باشد که ما را وادار به اسکیم متن کند، مثل: ایده اصلی متن، انتخاب عنوان و...

۲. اگر بین سوالات، هیچ سوالی وجود نداشته که صرفاً با اسکیم انجام شود از جزئی ترین سوالات شروع به الویت بندی جهت پاسخگویی می‌کنیم مثل: حدس پاراگراف قبل، حدس پاراگراف بعد و... اما قبل شروع به پاسخگویی از سوالات جزئی، حتماً باز هم متن را اسکیم می‌کنیم.

۳. سوالاتی مثل سوالات: except / not / true / false و سوالات استنباطی را در آخرین الویت‌های پاسخگویی باید قرار دهیم تا به وسیله سایر سوالات به اشراف تقریباً کاملی از متن برسیم.

## کنکور سراسری سال ۱۳۹۰

## PASSAGE 1:

Humanistic psychology tends to ignore social change research. Isaac Prilleltensky, a self-described radical who champions community and feminist psychology, has argued for years that humanistic psychology inadvertently contributes to systemic injustice.

Further, it has been argued that the early incarnations of humanistic psychology lacked a Cumulative empirical base, and the architects of the movement endorsed an “unembarrassed denial of human reciprocity and community.” However, according to contemporary humanistic thinkers, humanistic psychology need not be understood to promote such ideas as narcissism, egotism, or selfishness.

The association of humanistic discourse with narcissistic and overly optimistic worldviews is a misreading of humanistic theory. In their response to Seligman & Csikszentmihalyi (2000). Bohart and Greening (2001) note that along with pieces on self-actualization and individual fulfillment, humanistic psychologists have also published papers on a wide range of social issues and topics, such as the promotion of international peace and understanding, awareness of the holocaust, the reduction of violence, and the promotion of social welfare and justice for all.

The point that humanistic psychology lacks an “empirical base” has tended to rely on restricted views of what constitutes “empirical,” an uncritical adoption of natural science methods, and an outright neglect of Rogers, own empirical work. To the contrary, humanistic psychology has a long history of empirical research, including but not limited to the work of Maslow, Amedeo Giorgi and David Elkins. In fact, humanistic psychology research traces its origins all the way back to American psychology pioneer William James’ masterpiece, “Varieties of Religious Experience”.

## 1- What does the passage mainly discuss?

- |                                       |  |
|---------------------------------------|--|
| 1) Criticism of Humanistic Psychology | 2) Community and Human Reciprocity       |
| 3) Community and Feminist Psychology  | 4) International Peace and Understanding |

## 2- According to the passage, Isaac Prilleltensky-----.

- 1) opposes community and feminist psychology
- 2) advocates humanistic psychology
- 3) holds that humanistic psychology ignores social change research
- 4) believes that humanistic psychology contributes to systemic injustice

## 3- Reading the second paragraph, which of the following is true of current humanistic psychology?

- 1) Its first manifestations were totally based upon empirical research.
- 2) Its early supporters accepted human reciprocity and community.
- 3) It does not promote such ideas as narcissism, egotism, or selfishness.
- 4) It endorses unembarrassed denial of human reciprocity and community.

## 4- According to Bohart and Greening, humanistic psychology-----.

- 1) does not deal with social issues such as awareness of the holocaust.
- 2) also deals with personal issues like the demotion of welfare and justice.
- 3) also deals with social topics such as reduction of violence.
- 4) does not deal with personal topics like self-actualization and individual fulfillment.



5- According to the author, the interrelationship of humanistic psychology with narcissism and optimistic worldviews-----.

- 1) covers a wide range of social issues and topics                      2) promotes international peace and understanding  
3) is a concept accepted by all psychologists                              4) is a misunderstanding

6- Reading the above passage, one can infer that humanistic psychology-----.

- 1) uncritically adopts natural science methods                      2) lacks an empirical base  
3) has a long history of empirical research                              4) has restricted views of what constitutes empirical

7- The author finally states that the research in the field of humanistic psychology-----.

- 1) is indebted to uncritical adoption of natural science methods  
2) totally neglects Rogers' empirical work  
3) is restricted to the work of Maslow, Amedeo Giorgi and David Elkins  
4) dates back to American psychology pioneer William James's masterpiece

● متن ۱

روانشناسی انسان‌گرا معمولاً پژوهش در تغییرات اجتماعی را رد می‌کند. ایزاک پريلتنسکی، که خود را به‌عنوان یک فرد تندرو توصیف می‌کند از حامیان جامعه و روانشناسی فمینیست است، برای سال‌ها استدلال کرد که روانشناسی انسان‌گرا سهواً در بی‌عدالتی ساختاری نقش دارد. بعدها، این بحث پیش آمد که فرضیات اولیه روانشناسی انسان‌گرا مبنای تجربی به‌سزایی ندارد و عوامل این حرکت از یک «انکار قاطعانه از تقابل انسان و جامعه» حمایت کردند. با این حال، طبق متفکران انسان‌گرای معاصر، روانشناسی انسان‌گرا نباید با ترویج چنین ایده‌هایی مانند خودشیفتگی، خودمحوری و خودخواهی شناخته شود.

پیوند میان گفتمان‌های انسان‌گرایی با خودشیفتگی و نگرش‌های بیش از حد خوش‌بینانه، برداشتی نادرست از نظریه انسان‌گرایی است. سلیگمن و سیکزنتمیهای (۲۰۰۰)، بهارت و گرینینگ (۲۰۰۱) یادآور شدند که روانشناسان انسان‌گرا افزون بر آثار خود در باب خود-شکوفایی و تحقق فردی، مقالاتی را درباره طیف گسترده‌ای از مسائل و موضوعات همچون برجسته‌سازی صلح و درک جهانی، آگاهی از هولوکاست، کاهش خشونت و ترویج رفاه اجتماعی و عدالت برای همگان منتشر ساختند.

این نکته که روانشناسی انسان‌گرا «مبنای تجربی» ندارد، معمولاً بر دیدگاه‌های محدودی از آنچه «تجربی» تلقی می‌شود، پذیرشی غیرانتقادی از روش‌های علوم طبیعی و غفلت آشکار از کارهای تجربی خود را جزر تکیه می‌کند. بر خلاف آن، روان‌شناسی انسان‌گرا پیشینه‌ای طولانی در تحقیقات تجربی دارد، از جمله، اما نه محدود به کارهای مزلو، آمدنو گیورگی و دیوید الکینز. در واقع، منشأ پژوهش‌های روان‌شناسی انسان‌گرا، به شاهرکار پیشگام آمریکایی روان‌شناسی، ویلیام جیمز به نام «انواع تجربیات مذهبی» برمی‌گردد.

سوال‌ات جزئی تر	۱	۲	۴	۵
سوال‌ات استنباطی تر	۳	۶	۷	

۱. گزینه ۱- این متن عمدتاً در مورد چه موضوعی بحث می‌کند؟

- (۱) انتقاد از روانشناسی انسان‌گرا  
(۲) تقابل جامعه و انسان  
(۳) جامعه و روانشناسی فمینیست  
(۴) صلح و درک جهانی

۲. گزینه ۲- بر اساس متن، ایزاک پريلتنسکی ...

- (۱) با جامعه و روانشناسی فمینیست مخالف است.  
(۲) از روانشناسی انسان‌گرا طرفداری می‌کند.  
(۳) باور دارد که روانشناسی انسان‌گرا، پژوهش در تغییرات اجتماعی را رد می‌کند.  
(۴) معتقد است که روانشناسی انسان‌گرا در بی‌عدالتی ساختاری نقش دارد.

### ۳. گزینه ۳ - با توجه به بند دوم، کدام یک از موارد زیر راجع به روانشناسی انسان‌گرای معاصر درست است؟

- ۱) نخستین تجلیات آن کاملاً بر مبنای پژوهش‌های تجربی بود.
- ۲) حامیان اولیه آن تقابل انسان و جامعه را پذیرفتند.
- ۳) ایده‌هایی مانند خودشیفتگی، خودمحوری و خودخواهی را ترویج نمی‌کند.
- ۴) انکاری قاطعانه از تقابل انسان و جامعه را تأیید می‌کند.

### ۴. گزینه ۳ - بر طبق بُهارت و گرینینگ، روانشناسی انسان‌گرا ...

- ۱) با مسائل اجتماعی همچون آگاهی از هولوکاست سروکار ندارد
- ۲) به مسائل شخصی همچون تنزیل رفاه و عدالت هم می‌پردازد
- ۳) به موضوعات اجتماعی مانند کاهش خشونت هم می‌پردازد
- ۴) با موضوعات شخصی مانند خودشکوفایی و تحقق فردی سروکار ندارد

### ۵. گزینه ۴ - بر طبق (نظر) نویسنده، رابطه میان روانشناسی انسان‌گرا و خودشیفتگی و نگرش‌های خوش‌بینانه ...

- ۱) طیف گسترده‌ای از مسائل و موضوعات اجتماعی را پوشش می‌دهد
- ۲) صلح و درک جهانی را ترویج می‌کند
- ۳) مفهومی است که توسط همه روانشناسان پذیرفته می‌شود
- ۴) یک برداشت نادرست است

### ۶. گزینه ۳ - پس از خواندن متن بالا، می‌توان اینگونه برداشت کرد که روانشناسی انسان‌گرا ...

- ۱) بدون انتقاد، روش‌های علوم طبیعی را می‌پذیرد
- ۲) فاقد مبنای تجربی است
- ۳) پیشینه‌ای طولانی در پژوهش تجربی دارد
- ۴) دیدگاه‌های محدودی درباره آنچه تجربی تلقی می‌شود، دارد

### ۷. گزینه ۴ - نویسنده در نهایت بیان می‌کند که پژوهش در زمینه روانشناسی انسان‌گرا ...

- ۱) مدیون پذیرش غیرانتقادی روش‌های علوم طبیعی است
- ۲) به طور کامل کارهای تجربی راجرز را نادیده می‌گیرد
- ۳) به کارهای مزلو، آمدئو گیورگی و دیوید الکنز محدود شده است
- ۴) ریشه در شاهکار پیشگام آمریکایی روانشناسی، ویلیام جیمز دارد

روانشناسی انسان‌گرا: Humanistic psychology

معمولاً، تمایل دارد: tends to

خودتوصیفی: self-described

تندرو: radical

حمایت می‌کند: champions

بی‌عدالتی ساختاری: systemic injustice

فرضیات: incarnations

به‌سزا: Cumulative

مبنای تجربی: empirical base

قاطعانه: unembarrassed

عاملان یا طراحان جنبش: architects of the movement

contemporary humanistic thinkers:

متفکران انسان‌گرای معاصر

خودشیفتگی: narcissistic

خودمحوری: egotism

خودخواهی: selfishness

نگرش بیش از حد خوش‌بینانه: overly optimistic worldview

برداشت نادرست: misreading

خود-شکوفایی: self-actualization

آثار، مقالات: pieces

تحقق: fulfillment

رفاه اجتماعی: social welfare

صلح جهانی: international peace

کاهش: reduction

مقالات: papers

ترویج: promotion

آشکارا، واضح: outright

انواع: Varieties

پژوهش تجربی: empirical research

شاهکار: masterpiece

## فصل ۴

### لغات پایه به روش D.E

در این قسمت یکی از بزرگترین دغدغه‌های داوطلبین با پایه ضعیف را مرتفع ساخته‌ایم. کل لغات پایه (دبیرستان) را با شیوه‌ی آموزش و تالیف D.E (آموزش طبقه بندی شده لغات بر مبنای مترادف‌ها، متضادها، مشابهت‌های آوایی و املائی و... مطابق آنچه در فصل صفر گفته شده است) در این بخش تالیف و گردآوری کردیم.

**توجه:** اگر پایه لغوی شما متوسط یا بالاتر از آن است می‌توانید از مطالعه‌ی این بخش صرف نظر کنید. اما به صورت کلی پیشنهاد می‌دهیم اگر سطح متوسط یا بالاتری دارید، لغات این بخش را با صرف زمان کوتاهی جمع بندی کنید.

Care: دقت کردن، مراقبت کردن، دقت، مراقبت	Make a choice: انتخاب کردن	Hen: مرغ
Careful: مراقب، با دقت، محتاط، به طور با دقت، محتاطانه	Less: کمتر	Chicken: جوجه
Carelessly: بی‌دقت، بی‌احتیاط	Least: کمترین	Bird: پرنده
Careless: بی‌دقت، بی‌احتیاط	Low: کم	Duck: اردک
Carelessly: به طور بی‌احتیاط، به بی‌دقت	Lose: کم کردن، از دست دادن	Tower: برج
بی‌دقت	Loss: فقدان	Building: ساختمان
***	More: بیشتر	Apartment: آپارتمان
Take care of ...: مراقبت کردن از ...	High: بلند، مرتفع، زیاد، بالا	House / home: خانه
Look after: مراقبت کردن	Nature: طبیعت / ذات، سرشت	Yard: حیاط / مقیاس اندازه گیری (۶۳ اینچ یا ۳ فوت)
Be careful about ...: مراقب بودن درباره ...	Natural: طبیعی / ذاتی	Foot: پا (عضو بدن) / هر ۸۴٫۳ سانتی متر
Care for ...: مراقبت کردن از ...	***	***
Simple: آسان	Appear: ظاهر شدن، پدیدار شدن	Fish: ماهی
Simply: به آسانی، به راحتی	Appearance: ظاهر	Gold fish: ماهی قرمز
Easy: راحت، آسان	Disappear: ناپدید شدن، غیب شدن	Whale: وال، نهنگ
Easily: به راحتی، به آسانی	***	Shark: کوسه
Hard: سخت، دشوار	Spring: بهار	Dolphin: دلفین
Hardly: به سختی، به ندرت	Summer: تابستان	***
Hardworking: سخت کوشی	Fall: پاییز / افتادن	First: اولین
Ready: حاضر، آماده	Winter: زمستان	Second: دومین
Get ready: آماده شو	Season: فصل	Third: سومین
***	Weather: آب و هوا	Fourth: چهارمین
Choose: انتخاب کردن	Air: هوا	***
Choice: انتخاب	***	Fly: پرواز کردن



Flight: پرواز

Pilot: خلبان

Sky: آسمان

Heaven: بهشت / آسمان

Earth: زمین

\*\*\*

Life: زندگی

Live: زیستن، زندگی کردن

Live: زنده (انسان، برنامه تلویزیونی)

Living thing: موجود زنده

Alive: زنده، در قید حیات

Life span: چرخه زندگی / طول عمر

Die: مردن

Dead: مرده

Death: مرگ

Die out: منقرض شدن

Cut down: قطع کردن درخت / کم کردن

پائین آوردن

\*\*\*

Follow: پیروی کردن، تعقیب کردن

Following: بعدی / زیر

Among: میان یا بین (چند چیز)

Between: میان یا بین (دو چیز)

\*\*\*

Wife: همسر، زن

Wives: همسر، زنان

Woman: زن

Women: زنان

Mom / mother: مادر

Dad / father: پدر

\*\*\*

Bottom / down: زیر، پائین

Right: جهت راست / حق / درست، صحیح

صحیح

Out of ... از ... بیرون

Left: جهت چپ / خارج شده / باقیمانده

Lift: بلند کردن

Above / up: بالا

After: بعد

Before: قبل

\*\*\*

Injury: جرح، زخم، آسیب

Injured: آسیب دیده، زخمی

Destroy: خراب کردن، نابود کردن

Destruction: تخریب

Destructive: مخرب

Harm: صدمه، زیان / صدمه زدن به ...

Harmful: مضر

Harmless: بی ضرر

Hurt: صدمه زدن، آسیب دیدن

\*\*\*

Wolf: گرگ

Wolves: گرگ‌ها

Dog: سگ

Cat: گربه

Kitty: بچه گربه

Plus: بعلاوه، جمع کردن / مثبت

Positive: مثبت

Minus: کم کردن، تفریق کردن

Negative: منفی

Divide into: تقسیم کردن، قسمت

کردن

Multiply: ضرب کردن

Change into ... تبدیل کردن به ...

\*\*\*

Village / the country: روستا

Farm: مزرعه

Farm animal / domestic animal: حیوان اهلی

اهلی

Farmer: کشاورز

Former: قبلی، اسبق

\*\*\*

Phrase: عبارت

Phase: منظر، وجهه / مرحله، فاز

Sentence: جمله

\*\*\*

Persian gulf: خلیج همیشه فارس

Rome: رم

Italy: ایتالیا

Australia: استرالیا

Africa: آفریقا / قاره آفریقا

\*\*\*

Average: معدل / میانگین / متوسط

Variety: تنوع، گوناگونی

Variation: تغییر، دگرگونی، تفاوت

Variety: تنوع، گوناگونی

\*\*\*

Place: مکان، محل / قرار دادن

Library: کتابخانه

Cinema: سینما

Museum: موزه

Trip / travel: سفر

\*\*\*

Appropriate / Suitable: مناسب

Proper: مناسب، درخور / درست، صحیح

Properly: به طور مناسب، به طور صحیح

Real: واقعی

Really: واقعا؟

Correct / true: درست، صحیح

False: غلط، اشتباه

\*\*\*

Visit: بازدید کردن، ملاقات کردن

Visitor: بازدید کننده، ملاقات کننده

Attention: توجه

Pay attention: توجه کردن، دقت کردن

Inform: مطلع کردن، آگاه ساختن

Information: اطلاعات

\*\*\*

Help: کمک / کمک کردن

Helpful: مفید، سودمند

Hope: امید، آرزو

Hopeful: امیدوار

\*\*\*

Order: منظم کردن، سفارش دادن

سفارش، نظم

Unscramble : مرتب کردن / رمز گشایی :  
کردن

Clean : تمیز، پاک / پاک کردن

Rule / law : قاعده، قانون

Regular : عادی / منظم / با قاعده

Irregular : غیرعادی / نامنظم / بی قاعده

\*\*\*

Identify : تشخیص دادن

Identification : تشخیص

Consider : در نظر گرفتن / توجه کردن

Think about ... : فکر کردن درباره ...

\*\*\*

Enjoy : لذت بردن

Enjoyable : لذت بخش

Pain : درد

Painful : دردناک

\*\*\*

Exam : امتحان

Have an exam : امتحان داشتن

Take an exam : امتحان دادن

Give an exam : امتحان گرفتن

\*\*\*

Base s.th on : بر پایه ... قرار دادن

Basic : پایه ای

Base : پایه، مبنا، پایگاه

\*\*\*

Mean : به معنی ... بودن / یعنی

Means : راه، وسیله، روش

By means of ... : به وسیله ... از طریق

Sea : دریا

See : دیدن

Lake : دریاچه

Ocean : اقیانوس

Aquarium : آکواریوم

\*\*\*

Relate : ربط دادن، مرتبط بودن، نسبت

داشتن

Relation : وابستگی، ارتباط، نسبت

Relative : خویشاوند، نسبی

Relationship : ارتباط، نسبت، خویشی

\*\*\*

Lion : شیر

Leopard : پلنگ

Tiger : ببر

Cheetah : چیتا، یوزپلنگ

\*\*\*

Put : گذاشتن، قراردادن

Put out : خاموش کردن (آتش، سیگار)

(...و

Turn off : خاموش کردن (لامپ و ...)

Turn on : روشن کردن (لامپ و ...)

\*\*\*

Increase : افزایش دادن، زیاد کردن /

افزایش، ازدیاد

Decrease : کاهش دادن، کم کردن /

کاهش

Enhance : بالا بردن، زیاد کردن

Reduce : کاهش دادن، کم کردن

\*\*\*

Nation : ملت

Native : بومی

National : ملی

Nationality : ملیت

\*\*\*

Sick : بیمار

Seek : جست و جو کردن

\*\*\*

Danger : خطر

Dangerous : خطرناک

Endanger : به خطر انداختن

Endangered : به خطر افتاده

\*\*\*

Save : نجات دادن / ذخیره کردن

(پول، وقت، ...)

Safe : امن

Safety : امنیت

Protect : حفاظت کردن

Protection : حفاظت

Protected : حفاظت شده

\*\*\*

Build : ساختن

Building : ساختمان

Builder : سازنده

Create : خلق کردن، ساختن

Creator : خالق، سازنده

Creation : خلقت، سازنده، آفرینش

Match : مسابقه، بازی / جفت کردن /

کبریت

Pair : جفت

Pair up : جفت کردن

\*\*\*

Circle : دایره / احاطه کردن / دور چیزی را

خط کشیدن

Round : دایره ای، گرد

Around : سرتاسر

Square : مربع

Triangle : مثلث

Angle : زاویه

\*\*\*

Ship : کشتی

Sheep : گوسفند

Cow : گاو

Cattle : گله گاو

Goat : بز

\*\*\*

Son : فرزند پسر

Sun : خورشید

Daughter : فرزند دختر

Child : بچه

Children : بچه ها

\*\*\*

Plant : گیاه / گیاه کاشتن

Planet : سیاره

Plan : برنامه / برنامه ریزی کردن

Plain : دشت، جلگه / ساده، واضح

## فصل ۵

### عکس و مکث

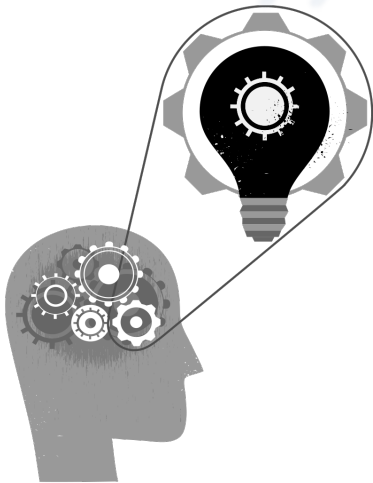
#### گرایش‌های عمده شغلی و موضوعات نظری

Comparative psychologist: روانشناس تطبیقی	forensic psychology: روانشناسی جنایی
Cognitive psychologist: روانشناس شناختی	rehabilitation psychology: روانشناسی توانبخشی
Developmental psychologist: روانشناس رشدی	sports psychology: روانشناسی ورزش
Educational psychologist: روانشناس تربیتی	personality psychology: روانشناسی شخصیت
Experimental psychologist: روانشناس تجربی	evolutionary psychology: روانشناسی تکاملی
Social psychologist: روانشناس اجتماعی	biological psychology (psychobiology): روانشناسی زیست شناختی
School psychologist: روانشناس مدرسه	psychometric: روانسنجی
health psychology: روانشناسی سلامت	
positive psychology: روانشناسی مثبت	



#### روانشناسی صنعتی سازمانی، شغل و استخدام

Industry: صنعت	Employer = boss: کارفرما، رئیس
pay: پرداخت کردن	degree: مدرک، درجه (دما، اعتبار)
industrial: صنعتی	Employee: کارمند
payment: وجه، پرداخت	interact: تعامل
organize: مدیریت کردن	Job / business / work / career / occupation / vocation: شغل، کار
salary / wage: حقوق	Occupational = Vocational: شغلی، کاری
organization: سازمان، شرکت	contest: رقابت کردن
business setting: زمینه شغلی	Marketing: بازاریابی
organizational: سازمانی، شرکتی	urge: انگیزش
train: آموزش دادن، تعلیم دادن، قطار	Optimum working: کار بهینه
employ: استخدام کردن	participate: مشارکت کردن
curriculum: برنامه آموزشی	Optimum: بهینه
Employment: استخدام	Participant: مشارکت کننده
gather: جمع آوری کردن	

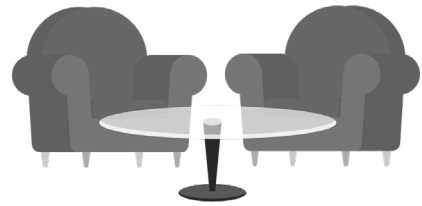




## مشاور

Adviser: راهنما، مشاور  
 a person who counsels: فردی که مشاوره می‌دهد  
 counselor: مشاور  
 counsel: مشورت، تدبیر، توصیه کردن  
 patient (n): بیمار  
 patient (adj): بردبار، شکیبا، صبور  
 sick: بیمار  
 illness / sickness: بیماری  
 epidemic: بیماری همه گیر، شایع  
 encourage: حمایت کردن، تشویق کردن

courageous: شجاع  
 cancer: سرطان  
 discourage: دلسرد کردن، ناامیدی  
 courage: شجاعت، دلاوری  
 analyze (v): آنالیز کردن، سنجیدن  
 contrast (v/n): برابر کردن / ضد، مقایسه کردن  
 مخالف، تضاد، کنتراست  
 correlate (v): همبستگی داشتن، مرتبط کردن



## همه‌ی psy ها

psychiatric: روان پزشکی  
 psychiatrist: روانپزشک  
 psychodynamic: روان پویایی  
 psychopathology: آسیب شناسی روانی  
 psychopharmacotherapy: روان-دارو درمانی  
 psychosexual: روانی-جنسی  
 psychoanalyst: روان کاو  
 psychometric: روان سنجی  
 psychic: پدیده روحی، روانی  
 psychosis: سایکوز، روانپریشی



## تحقیق

Examination / experiment: آزمایش  
 Investigation: تحقیق کردن، بررسی کردن / investigate: تحقیق، بررسی  
 Probe: جست و جوی کاوش / جست و جوی کردن، کاوش کردن / کاوشگر



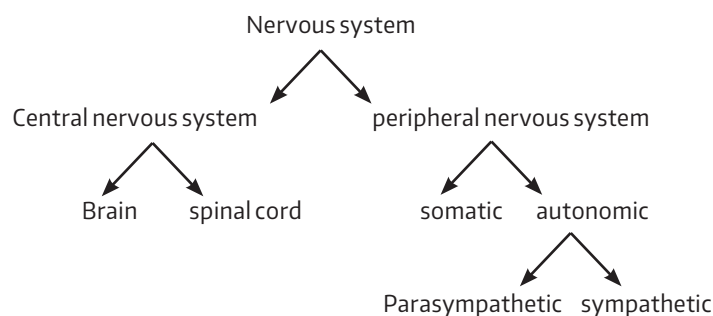
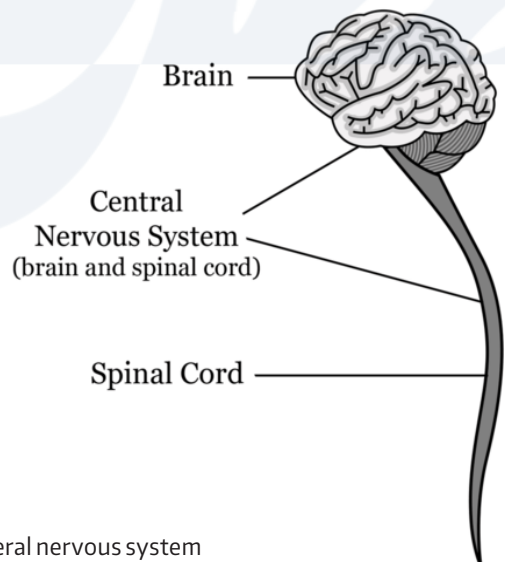
## آمار

Sample: نمونه	Placebo condition: شرایط دارونما
population: جمعیت، جامعه ی نمونه	random assignment: تخصیص تصادفی
Random sample: نمونه تصادفی	Control group: گروه کنترل
biased sample: نمونه سو دار	experimental group: گروه آزمایش
Data: داده	Dependent variable: متغیر وابسته
subgroup: زیرگروه	independent variable: متغیر مستقل
Stratified sample: نمونه لایه ای	Positive correlation: همبستگی مثبت
interview: مصاحبه، مصاحبه کردن	negative correlation: همبستگی منفی
Longitudinal method: روش طولی	Cause and effect: علت و معلول
representative sample: نمونه معرف	Extraneous variable: متغیر نامربوط
Survey method: روش زمینه یابی	Expectancy effect: اثر انتظار
Correlational method: روش همبستگی	Statistical significance: معناداری آماری
subject: آزمودنی	Illusory correlation: همبستگی اشتباه
replication: قابلیت تولید مجدد، تکرار	conclusion: نتیجه گیری
Archival research: تحقیق آرشیوی	Double blind experiment:
researcher bias: سوگیری محقق	آزمایش دو سرکور
Case study: مطالعه موردی	narrative: روایی یا داستانی
Observer bias: سوگیری ناظر	paradigm: نمونه، الگو
metaanalysis: فراتحلیل	allocation: تخصیص
correlation coefficient: ضریب همبستگی	



## سیستم عصبی

Central nervous system: دستگاه عصبی مرکزی
Peripheral nervous system: دستگاه عصبی محیطی
Brain: مغز
Spinal cord: نخاع
Somatic: بدنی، تنی، جسمی
Autonomic: خودمختار
Sympathetic: سمپاتیک
hurt: صدمه، ضرر، آسیب / صدمه زدن
Parasympathetic: پاراسمپاتیک
symptom: نشانه، علامت



## فصل ۶

# مروری بر لغات احتمالی کنکورها و آزمون‌های آتی با نگاهی بر ۵۰۴ و ۱۱۰۰

Abandon: ترک کردن، رها کردن

Keen: تیز، زیرک

Jealous: حسود

Tact: تدبیر

Oath: قسم، سوگند خوردن

Vacant: خالی

Hardship: سختی

Gallant: شجاع

Data: اطلاعات، داده‌ها

Unaccustomed: غیرعادی

Bachelor: مرد مجرد

Qualify: واجد شرایط شدن

Corpse: جنازه، جسد

Conceal: پنهان کردن، پوشاندن

Dismal: غمگین

Frigid: خیلی سرد

Inhabit: ساکن شدن

Numb: بی‌حس

Peril: مخاطره، خطر

Recline: تکیه کردن

Shriek: جیغ کشیدن

Sinister: شیطانی

Tempt: وسوسه

Wager: شرط بندی

Typical: نمونه، معمولی

Minimum: حداقل

Scarce: کمیاب

Annual: سالی یکبار، سالانه

Persuade: متقاعد کردن

Essential: ضروری

Blend: مخلوط کردن

Visible: دیدنی

Expensive: گران

Talent: استعداد

Devise: طراحی کردن

Wholesale: عمده فروشی

Vapor: بخار

Eliminate: حذف کردن

Villain: آدم شرور، مجرم

Dense: فشرده، انبوه

Utilize: به کار بردن

Humid: مرطوب

Theory: تئوری، نظریه

Descend: فرود آمدن

Circulate: گشتن، دور زدن

Enormous: عظیم، بزرگ

Predict: پیش بینی کردن

Vanish: ناپدید شدن

Tradition: سنت

Rural: روستایی

Burden: مسئولیت سنگین

Campus: محوطه دانشگاه یا مدرسه

Majority: اکثریت

Assemble: تجمع، مونتاژ کردن

Explore: بررسی کردن

Topic: موضوع

Debate: بحث

Evade: شانه خالی کردن، فرار کردن

Probe: جستجو

Reform: اصلاح کردن

Approach: نزدیک شدن

Detect: متوجه شدن، کشف کردن

Defect: نقص

Employee: کارمند

Neglect: غفلت کردن از

Deceive: فریب دادن

Undoubtedly: بی‌تردید

Popular: عامه پسند

Thorough: تمام عیار

Client: موکل، مشتری

Comprehensive: جامع، مفصل

Defraud: پول گرفتن

Postpone: به تعویق انداختن

Consent: رضایت دادن

Massive: حجیم

Capsule: کپسول

Preserve: محافظت کردن

Denounce: محکوم کردن، انتقاد کردن

Unique: منحصر به فرد

Torrent: سیلاب

Resent: رنجیدن از

Molest: آسیب رساندن، حمله کردن

Gloomy: تیره و تار، تاریکی

Unforeseen: غیر مترقبه

Exaggerate: مبالغه کردن

Amateur: ناشی

Mediocre: معمولی

Variety: گوناگونی، تنوع

Valid: معتبر، قانونی

Survive: جان سالم به در بردن



Weird: عجیب و غریب، مرموز

Prominent: مشهور، برجسته

Security: امنیت، تضمین

Bulky: تنومند، چاق

Reluctant: ناراضی

Obvious: آشکار، واضح

Vicinity: محله، نزدیکی

Century: قرن

Rage: خشم

Document: سند

Conclude: پایان دادن، به نتیجه رسیدن

Undeniable: غیر قابل انکار

Resist: مقاومت کردن در برابر

Lack: نیاز، نداشتن

Ignore: نادیده گرفتن

Challenge: به مبارزه طلبیدن

Miniature: مینیاتور، ریز

Source: منشأ، منبع

Excel: بی نظیر بودن

Feminine: زنانه

Mount: سوار شدن، بالا رفتن

Compete: رقابت کردن

Dread: هراس، وحشت

Masculine: مردانه

Menace: تهدید، خطر

Tendency: تمایل، گرایش

Underestimate: کمتر از حد برآورد کردن

Victorious: فاتح، پیروزمندان

Numerous: متعدد

Flexible: انعطاف پذیر

Evidence: شهادت، گواه

Solitary: آدم گوشه گیر، تنها

Vision: دید، خیال

Frequent: مکرر

Glimpse: نظر اجمالی

Recent: اخیر

Decade: دهه، دوره ده ساله

Hesitate: مکث کردن، اکراه داشتن

Absurd: بوج

Conflict: اختلاف

Minority: اقلیت، گروه اقلیت

Fiction: افسانه، خیال

Ignite: آتش گرفتن

Abolish: لغو کردن

Urban: شهری

Population: جمعیت

Frank: رک و راست

Pollute: آلوده کردن

Reveal: آشکار کردن

Prohibit: قدغن کردن

Urgent: فوری

Adequate: کافی

Decrease: کاهش دادن

Audible: قابل شنیدن، رسا

Journalist: روزنامه نگار

Famine: قحطی

Revive: نیروی تازه گرفتن

Commence: شروع کردن

Observant: تیز بین

Identify: نشان دادن هویت

Migrate: مهاجرت کردن

Vessel: کشتی، ظرف، آوند

Persist: اصرار کردن

Hazy: مه رقیق، مه آلود

Gleam: نور ضعیف

Editor: ویراستار

Unruly: عنان گسیخته، سرکش

Rival: رقیب

Violent: خشن

Brutal: وحشیانه

Opponent: حریف، رقیب

Brawl: کتک کاری

Duplicate: کپی کردن

Vicious: وحشیانه

Whirling: چرخیدن

Underdog: آدم بازنده، توسری خور

Thrust: حمله کردن

Bewildered: سردرگم کردن

Expand: گسترش دادن

Alter: اصلاح کردن

Mature: بالغ

Sacred: مقدس، مذهبی

Revise: تجدید نظر کردن، اصلاح کردن

Pledge: تعهد

Casual: اتفاقی

Pursue: تعقیب کردن

Unanimous: هم عقیده

Fortunate: خوش شانس

Pioneer: پیشگام

Innovative: ابتکاری

Slender: لاغر، کم و اندک

Surpass: سبقت گرفتن از

Vast: وسیع

Doubt: تردید کردن

Capacity: گنجایش، ظرفیت

Penetrate: نفوذ کردن

Pierce: سوراخ کردن

Accurate: صحیح، درست

Microscope: میکروسکوپ

Grateful: سپاسگزار

Cautious: محتاط

Confident: مطمئن

Appeal: علاقه

Addict: معتاد

Wary: مراقب

Aware: آگاه، دانا

Misfortune: بدشانس

Avoid: اجتناب کردن

Wretched: فلاکت بار

Keg: بشکه کوچک

Nourish: تغذیه کردن

## فصل ۷

### اشکال سه‌گانه افعال مهم

یکی از رایج‌ترین اتفاقات این است که داوطلبان ریشه فعلی را به خاطر می‌سپارند اما هنگامی که شکل زمانی دیگری از همان فعل را در متن می‌بینند متاسفانه قادر به تشخیص فعل اصلی نیستند. در اینجا لیستی از اشکال سه‌گانه مهم‌ترین افعالی که در متون مختلف به کار برده می‌شوند را همراه با معنی برای شما در آورده‌ایم. حفظ همه‌ی اشکال سه‌گانه واجب نیست، اما شدیداً پیشنهاد می‌کنیم در بازه‌های زمانی مختلف این لیست را مرور کنید تا ملکه ذهن شما شود و الگوهای تبدیل این اشکال سه‌گانه برای شما آشنا باشد. از یادگیری (نه حفظ 😊!) شکل ساده هر فعل با معنی فارسی (موارد \*\*\*) آن غافل نشوید و حتماً چندین بار تکرار کنید.

معنی ***	Past Participle	Simple Past	Simple Present ***
برخاستن	arisen	arose	arise
بیدار شدن	awoke/awaken	awoke	awake
بودن	been	was-were	be: am-is-are
تحمل کردن	born	bore	bear
زدن	beaten	Beat	beat
شدن	become	became	become
اتفاق افتادن	befallen	befell	befall
شروع کردن	begun	began	begin
خم شدن	bent	bent	bend
شرط بستن	bet	bet	bet
گاز گرفتن	bitten	bit	bite
خون آمدن	bled	bled	bleed
وزیدن	blown	blew	blow
شکستن	broken	broke	break
آوردن	brought	brought	bring
ساختن	built	built	build
سوختن	burnt	burnt	burn
ترکیدن	burst	burst	burst
خریدن	bought	bought	buy
گرفتن	caught	caught	catch
انتخاب کردن	chosen	chose	choose
چسبیدن	clung	clung	cling

معنی ***	Past Participle	Simple Past	Simple Present***
آمدن	come	came	come
ارزش داشتن	cost	cost	cost
خزیدن	crept	crept	creep
بریدن	cut	cut	cut
معامله کردن	dealt	dealt	deal
شیرجه رفتن	dived	dived/dove	dive
انجام دادن	done	did	do
رسم کردن	drawn	drew	draw
خواب دیدن	dreamt	dreamt	dream
نوشیدن	drunk	drank	drink
راندن	driven	drove	drive
خوردن	eaten	ate	eat
افتادن	fallen	fell	fall
غذا دادن	fed	fed	feed
احساس کردن	felt	felt	feel
جنگیدن	fought	fought	fight
پیدا کردن	found	found	find
متناسب بودن	fit/fitted	fit/fitted	fit
فرار کردن	fled	fled	flee
لگد زدن	flung	flung	fling
پرواز کردن	flown	flew	fly
ممنوع ساختن	forbidden	forbade	forbid
فراموش کردن	forgotten	forgot	forget
بخشیدن	forgiven	forgave	forgive
یخ زدن	frozen	froze	freeze
به دست آوردن	gotten/got	got	get
دادن	given	gave	give
رفتن	gone	went	go
خرد کردن	ground	ground	grind
رویدن	grown	grew	grow
آویزان کردن	hung/hanged	hung/hanged	hang
داشتن	had	had	have
شنیدن	heard	heard	hear
مخفی کردن	hidden	hid	hide

## فصل ۸

# واژگان، اصطلاحات عمومی و تخصصی مهم متون روانشناسی

abandon : ترک کردن، کنار گذاشتن	acknowledges اعتراف می‌کند، می‌پذیرد :	advertising : آگهی‌های تجاری
abandonment : ترک	acquire : کسب کردن	advertising : تبلیغات
abandonment : کنار گذاشتن	acquiring : فراگیری، کسب کردن	affective state : حالت حُلّقی
abated : فروکش کرد	acquiring : کسب	agitated depression :
aberrations : انحرافات	acquisition : دستاورد، فراگیری	افسردگی آشفته‌وار
Abnormal : ناهنجار	actual lived experience: تجربهٔ واقعاً زیسته، تجربهٔ زندگی واقعی	agoraphobia : گذرهراسی، برزن هراسی
abolished : برچیده شد، از بین رفت	adaptational : سازگاری	agricultural : کشاورزی
abrupt onset : شروع ناگهانی	addiction : اعتیاد	alienated : بیگانگی، انزوا
abruptly : ناگهان، به تندی	adds up : جمع جبری	allure : گیرایی
absence : نبود	adept : ماهر، زبردست	Alternative : جایگزین
absorbed : جذب شد، فرو رفت	adequate : کافی	Alternatively : از سوی دیگر
abuse : سوءرفتار، آزار دادن	ADHD : اختلال بیش‌فعالی-نقص توجه	ambiguous : مبهم
academic achievement :	adherence : پایبندی	ambition : جاه‌طلبی، آرزو
دستاوردهای تحصیلی	adherents : پیروان	ambitious people :
academic standards : استانداردهای	Adjacent : نزدیک	افراد جاه‌طلب یا آرزومند
آموزشی یا تحصیلی	adjunct : کمک جانبی، مکمل	American Psychological Association :
academic subject : رشتهٔ دانشگاهی	administering : به‌کارگیری	انجمن روانشناسی امریکا
acceptance : پذیرش	admirable : تحسین‌برانگیز	analysis : تحلیل
acclaimed : مورد تحسین، مورد پسند	admit : اعتراف کردن	analysts : تحلیل‌گران
accommodation : انطباق	adolescence : نوجوانی	analytical psychology :
account for : مسئول چیزی بودن	adolescence : نوجوانی	روانشناسی تحلیلی
acculturation : فرهنگ‌پذیری	adopted by : به کار رفتن توسط	ancient : کهن
accumulating : انباشت، رو به فزونی	advantage : مزایا	ancient civilizations : تمدن‌های کهن
accumulation : گردآوری، ذخیره‌سازی	Advantages and disadvantages :	آزمایش‌های حیوانی
accuracy : دقت، درستی	سودها و زیان‌ها	Animal experiments
accurate : دقیق	پیدایش	Anonymous : گمنام
achievable : دست‌یافتنی		anonymous : بیگانه
achiever : کامیاب		anticipate : پیش‌بینی



Anti-psychiatry : ضد-روانپزشکی

anxious mood : خُلق مضطرب

apathetic : بی‌علاقه

apoplexy : سکتۀ ناقص

Apparently : آشکارا

Applied behavior analysis :

تحلیل رفتار کاربردی

approved : مورد تأیید

archetypal : کهن‌الگویی

architects of the movement :

عاملان یا طراحان جنبش

are supposed to : انتظار می‌رود، قرار است

argued against : مخالفت کردن،

در مخالفت با چیزی استدلال

arousal : برانگیختگی

arrayed along : در امتداد

Article : ماده / مقاله

artificial environment : محیط مصنوعی

artificial intelligence : هوش مصنوعی

Ashamed of : شرمگین از

aspire : مشتاق بودن، آرزو داشتن

asset-focus : موهبت-محور

assimilation : جذب

Association : انجمن

association : تداعی

attention-deficit hyperactivity disorder

اختلال بیش‌فعالی-نقص توجه :

attics : اتاق‌های زیر شیروانی

audio-recording vests :

جلیقه‌های ضبط صدا

Austrian physician : پزشک اتریشی

authorities : صاحب نظران

autism spectrum disorders :

اختلالات طیف اوتیسم

autonomously : خودگردان، مستقل

avoidant attachment :

دلبستگی اجتنابی

axes : محورها

babble : غان‌وغون

baby talk : کلام بچگانه

balance : هم‌سنگی

banish : کنار گذاشتن، جدا کردن

baseline : مبنا، خط پایه

be settled : حل شد

behavioral principles : اصول رفتاری

behaviorism : رفتارگرایی

behaviorists : رفتارگرایان

behind-the-scenes : پشت صحنه

belong : تعلق داشتن

beneficial : سودمند

benign : خوش‌خیم، خوشایند

beyond : فراتر

biological : زیستی

bipolar disorder : اختلال دوقطبی

bipolar disorders : اختلالات دوقطبی

birthdate : روز میلاد

bizarre : عجیب

blindness : نابینایی

blindness : نابینایی

blindsight : کوربینی، بینایی ناآگاهانه

block : مسدود کرد

body of knowledge : پیکرۀ دانش

boom years : سال‌های پر رونق

boredom : ملالت، بی‌حوصلگی

borrow from : وام گرفتن از

bounced check : چک برگشتی

brain chemists : شیمیدانان مغز

brain injuries : آسیب‌های مغزی

brain injury : آسیب مغزی

brain processes : فرایندهای مغزی

brain states : حالات مغزی

bridge hypothesis :

فرضیۀ پیوند یا پل زدن

bridged divide : شکاف را پُر کردن

bridges : پل می‌زند

bright : باهوش

brilliant : ممتاز، باهوش

bring about :

باعث شدن، تحقق بخشیدن

brought up : پرورش یافت، بزرگ شد

built-in : ذاتی

bullying : قلدری

bungle : سرهم‌بندی، خرابکاری

burial : خاکسپاری

business district : مرکز یا منطقه تجاری

business-as-usual : مرسوم،

مانند همیشه

calibrating : سازش‌یافته

calory overload : اشباع کالری

cancer : سرطان

candor : صراحت، صداقت

Cannon of Medicine : قانون پزشکی

capitalism : سرمایه‌سالاری

cardiac rehabilitation : بازپروری قلبی

cardiac stroke : سکتۀ قلبی

cardiovascular : قلبی-عروقی

caretakers : مراقبان

carry out : بیرون بردن

cast doubt on :

زیر سؤال بردن، به شبهه انداختن

casting doubt : زیر سؤال بردن

catalyst : تسهیل‌گر

cerebral palsy : فلج مغزی

challenges : چالش‌ها

## فصل ۹

### پراکندترین قیدها در متون روانشناسی

یکی از مهم‌ترین و کلیدی‌ترین انواع نقش‌ها در متون روانشناسی کنکور کارشناسی ارشد، قیدها هستند. در بسیاری از موارد که یک قید فعل مرتبط را توصیف می‌کند، به راحتی می‌تواند معنی یک جمله را تحت تاثیر قرار دهد و همچنین می‌تواند یکی از جذابترین دستاویزها برای طراحان محترم باشد (در جلد دوم همین کتاب مفصلاً از این دستاویز جذاب خواهیم گفت ☺). به همین منظور در این بخش از ضمائم، کلیه قیود مهم ادوار گذشته کنکور کارشناسی ارشد را در یک مکان گرد هم آورده‌ایم (با هر سطحی که هستید، حتماً این بخش را کامل بیاموزید). این بخش از ضمائم را حتماً در دو ماه باقیمانده به کنکور مطالعه کنید و در ستون مقابل هر کلمه سعی کنید کلمات مشابه آوایی، املائی و معنایی هر لغت را از فصول ده گانه همین کتاب (بدون مراجعه به فصلهای قبل و صرفاً آنچه را که به یاد دارید) و حتماً ریشه هر کلمه را مقابل آن با معنی فارسی بنویسید.

کلمه	یادداشت (ریشه / مشابه آوایی، املائی، معنایی و...)
Abruptly : به طور ناگهانی	Abrupt: ناگهانی، ناگهان / sudden: ناگهان , ...
Absolutely : کاملاً	Absolute: کامل، مطلق / Arbitrary: دلخواه، مطلق، ...
Accordingly : نتیجتاً	
Accurately : دقیقاً	
Actually : واقعاً، عملاً، در حقیقت	
Adversely : بالعکس، به طور مخالف، به طور مغایر	
Anxiously : به طور نگران، مشتاقانه	
Arbitrarily : خودسرانه، مستبدانه	
Autonomously : به طور خودگردان، به صورت ارادی	
Broadly : به طور گسترده	
Carefully : با دقت	
Certainly : قطعاً، مطمئناً، یقیناً	
Changeably : به طور قابل تغییر	
Characteristically : به طور مشخص	

کلمه	یادداشت (ریشه / مشابه آوایی، املائی، معنایی و...)
Chiefly	به طور عمده، مخصوصاً
Clearly	به وضوح، به طور شفاف
Closely	به دقت
Commonly	معمولاً، عموماً، به طور عادی
Comparatively	نسبتاً، به طور نسبی
Completely	کاملاً
Considerably	به طور قابل توجهی، خیلی
Constantly	مداوماً
Continually	به طور پیوسته
Conventionally	بر طبق قرارداد، قراردادی
Culturally	به لحاظ فرهنگی
Definitely	قطعاً، عیناً
Differently	به طور متفاوت
Directly	مستقیماً، به طور مستقیم
Dramatically	به طور چشمگیری
Dynamically	به صورت پویا
Easily	به آسانی، به راحتی
Economically	از لحاظ اقتصادی
Empirically	به صورت تجربی
Endlessly	بی‌وقفه، به طور بی‌وقفه
Entirely	کاملاً
Equally	به طور مساوی، به طور برابر
Especially	خصوصاً
Exactly	دقیقاً
Exactly	دقیقاً، کاملاً، عیناً

